

چهارشنبه 29 شهریور 1391
چرا ایرانیان در تظاهرات ضد آمریکایی شرکت نکردند؟ علی کشتگر

چرا برگزاری تظاهرات بزرگ ضد آمریکایی جمهوری اسلامی از ایران به لبنان منتقل شد؟ تفاوت برجسته میان ایران و سایر جوامع اسلامی باید طرفداران حمله نظامی به ایران را به فکر وادارد. آنچه نگرش کنونی ایرانیان را دگرگون و آنان را بار دیگر دچار احساسات ضد آمریکایی و همسویی با بنیادگرایان می‌کند، مداخله نظامی است. اما چرا بسیاری از رسانه‌های فارسی و جهانی این حقایق را نمی‌بینند؟

ویژه خبرنامه گویا

واکنش‌های گسترده ضد آمریکایی و خشونت آمیزی که فیلم "بیگناهی مسلمانان" در کشورهای اسلامی برانگیخت، بار دیگر تفاوت اساسی میان ایران و سایر کشورهای مسلمان را هویدا ساخت.

بر کسانی که حداقل آشنایی با تحولات درونی جامعه ایران دارند، پوشیده نیست که مردم امروز ایران نگرشی کاملاً متفاوت از مردم اکثر کشورهای مسلمان در قبال آمریکا و غرب دارند. این نگرش ریشه دارد در تاریخ طولانی دموکراسی خواهی ایرانیان و نیز تجربه سی و چهار سال سلطه اسلام سیاسی ضد آمریکایی در ایران.

در این سی و چهار سال تنش و خصومت میان جمهوری اسلامی و آمریکا همواره وسیله و بهانه سرکوب آزادی‌های فردی و سیاسی در ایران بوده است. تاریخ سرکوب آزادی‌ها از نخستین روزهای تولد جمهوری اسلامی همزاد خصومت و دشمنی با آمریکا بوده است. دشمن‌سازی در خارج و سرکوب آزادی در داخل دو روی سکه از اعتبار افتاده دیکتاتوری مذهبی در ایران است.

رژیم ایران آزادیخواهی را طرفداری از آمریکا و غرب معنا می‌کند، و حتی دفاع از حق رای را تلاش آمریکا در براندازی نرم می‌داند. مردم ایران نیز خصومت با آمریکا و متحدان آن را ابزاری در خدمت استبداد مذهبی می‌دانند. کفایت تبلیغات رژیم علیه جنبش دموکراسی خواهی سبز از فردای کودتای ۲۲ خرداد ۸۸ تا امروز را مرور کنیم تا دریابیم که چگونه همه سرکوب‌های خونین و زندانها و به حاشیه راندن‌ها به بهانه مبارزه با توطئه‌های آمریکا در ایران دنبال شده است.

نسل جوان ایران از زمانی که خود را می‌شناسد و نسل میان سالان ایران نیز از دوره نوجوانی تا به امروز همواره سایه دیکتاتوری اسلام سیاسی و خودکامگی و خودخواهی ولایت فقیه را بر سرخود حس کرده و از آن رنج برده اند. برای این نسل‌ها دموکراسی‌های غربی الگوی نهادینه شدن آزادی‌های فردی و حقوق شهروندی هستند. خصومت دائمی جمهوری اسلامی با آمریکا و اروپا نیز اشتیاق جوانان را به الگو برداری از نظام‌های دموکراتیک غربی افزایش داده است. اما اگر نگوئیم در همه کشورهای اسلامی دست کم می‌توانیم بگوئیم در اکثر آنها نگرش اکثریت مردم برخلاف آن چیزی است که در ایران جریان دارد (ترکیه را مستثنی می‌کنم). رشد انتگریم اسلامی ضد غربی و دشمنی اکثریت یا بخش بزرگی از مردم این جوامع با دولت‌های غربی بویژه آمریکا دلایل چند گانه ای دارد که ذکر آن در حوصله این یادداشت نمی‌گنجد. شاید مسامحتاً بتوان گفت که آنها به همان راهی می‌روند که ایران سی و پنج سال پیش رفت و امروز به تجربه دریافته که اسلام سیاسی ضد غربی در خدمت استبداد، خشونت و عقب ماندگی است. البته فاصله برخی از جوامع اسلامی با جامعه امروز ایران بیش از سی و پنج سال است. عجیب است که بسیاری از تحلیل‌گران و روزنامه‌نگاران بین‌المللی امور خاورمیانه این تفاوت اساسی میان جامعه ایران با سایر جوامع منطقه را نمی‌بینند.

هرچند در کشورهای اسلامی، فیلم اهانت آمیز "بیگناهی مسلمانان" موجب تظاهرات خودجوش و خشونت بار ضد آمریکایی شد، اما در ایران با وجود تبلیغات و تحریکات وسیع رسانه های جمهوری اسلامی و حمایت همه جانبه آنها از تظاهرات خشونت آمیز و ضد آمریکایی کشورهای اسلامی نه فقط هیچ گونه واکنش خودجوش اعتراضی دیده نشد، بلکه حتی دولتیان و طرفداران رژیم را نیز برای یک تظاهرات بزرگ دولتی بسیج نکرد. سران حکومت با وجود ستایش از تظاهرات خشونت آمیز کشورهای اسلامی و ایراد سخنان آتشین درباره به اصطلاح موج دوم "بیداری اسلامی" در کشورهای مسلمان، خود چنین تظاهراتی را برگزار نکردند (تظاهرات دولتی بسیار بی رمق شهرستان قم و برخی از شهرهای دیگر ایران نافی (مدعای این یادداشت نیست

حکومتگران با توجه به بی اعتنایی مردم، دریافتند که برگزاری یک تظاهرات دولتی نیز که لابد برای موفقیت آن باید از همه جا سیاهی لشکر به تهران حمل کنند، به دردسرش نمی آرد و با توجه به گرفتاری های دیگری که با آن دست بگریبان بودند، از خیر آن گذشتند (شاید مصلحت های دیگری هم در کار بوده که من از آن بی اطلاع هستم). بهرحال خامنه ای که از امت همیشه در صحنه، فقط حزب اله لبنان برایش باقی مانده تظاهرات باشکوه ضد آمریکایی جمهوری اسلامی را نه در ایران ۷۵ میلیونی و یا تهران ده میلیونی بلکه در لبنان برگزار کرد! که حسن نصرالله به خوبی از عهده آن برآمد

اما عجیب است که هیچ یک از رسانه های معتبر غربی که این روزها مدام تظاهرات مردم خشمگین کشورهای مسلمان را علیه آمریکا پوشش می دهند به این تفاوت مهم جامعه ایران با سایر جوامع مسلمان اشاره نمی کنند. تحلیل گران کم اطلاع و کم دقت یکی پس از دیگری در رسانه های آمریکایی و اروپایی به بررسی این تحولات خشونت آمیز می پردازند، اما گویی هیچ کدام متوجه این تفاوت اساسی میان جامعه ایران با سایر جوامع اسلامی نیستند. البته رسانه هائی هم هستند که همچنان عمدا بنزین بر آتش انتگریم اسلامی می ریزند. و خواسته یا ناخواسته در خدمت مقاصد شوم عمل می کنند. برای نمونه مجله فرانسوی شارل ابدو که در شماره امروز خود مجددا کاریکاتور اهانت آمیز به پیغمبر اسلام را به چاپ رسانده است

فهم این تفاوت از آن جهت حائز اهمیت است که نشان می دهد ایران اگر نه بالفعل، اما بالقوه (یعنی در صورت روی کار آمدن یک حکومت برگزیده مردم) متحد استراتژیک آمریکا و اروپا است و اعتقادات مذهبی مردم وسیله دشمنی با اسرائیل نیست. در حالی که در اکثر کشورهای متحد آمریکا یعنی عربستان، پاکستان، افغانستان، امیر نشین های خلیج فارس و اردن و غیره بخاطر نفوذ اسلامیسیم بنیادگرا در جامعه، بطور بالقوه خطر روی کار آمدن رژیم های ضد آمریکایی را نمی توان دست کم گرفت. بنابراین در درون هریک از این جوامع یک دشمن بالقوه آمریکا و غرب نهفته است

این تفاوت برجسته میان ایران و سایر جوامع اسلامی باید طرفداران مداخله نظامی در ایران را به فکر وادارد. چرا که تنها عنصری که می تواند موضع و نگرش کنونی جامعه ایران را دگرگون سازد و مردم ایران را بار دیگر دچار احساسات ضد آمریکایی و همسویی با اسلام گرایان افراطی کند، حمله نظامی به ایران است

بدون اغراق مداخله نظامی در ایران تنها عاملی است که می تواند در نگاه و نگرش دوستانه مردم ایران به آمریکا و متحدان آن دگرگونی اساسی ایجاد کند و بار دیگر اسلام سیاسی را در ایران احیا کند و ملغمه ای ضد غربی از ناسیونالیسم و اسلام سیاسی را میداندار سازد

در این صورت هم ایران خسارات جبران ناپذیر خواهد دید و هم آمریکا و متحدان آن، برنده چنین فاجعه ای فقط بنیاد گرایی دینی در ایران و منطقه خواهد بود. طبیعی است که طرفداران مداخله نظامی و تحلیل گران حامی آنان اذعان به این حقایق ساده را به صلاح مقاصد خود ندانند

دخالت آمریکا در کودتای ۲۸ مرداد، و حمایت از دیکتاتوری شاه پیامدهای فاجعه باری برای جنبش ملی دموکراسی خواهی ایران داشت. پیش از کودتا مردم و نیروهای ملی ذهنیت مثبت و دوستانه ای نسبت به ایالات متحده داشتند. کودتا زمینه های خصومت و نفرت نسبت به آمریکا را در ایران گسترش داد. امری که در خدمت اسلام سیاسی و بستر ساز روی کار آمدن جمهوری اسلامی شد. مداخله نظامی آمریکا در ایران علاوه بر همه پیامدهای ویرانگر و فاجعه بار آن دوباره ایران را به آتش فشان احساسات ضد آمریکایی تبدیل می کند. پسامد چنین فاجعه ای نابودی جنبش های دموکراسی خواهانه به سود گسترش بنیادگرایی شیعه و سنی در کل کشورهای اسلامی و به خطر افتادن صلح و دموکراسی در جهان خواهد بود. آیا ایرانیان خواهند توانست این حقایق ساده را به تصمیم گیران قدرت های بزرگ بفهمانند؟

علی کشتگر
چهارشنبه ۲۹ شهریور ماه ۱۳۹۱
Ali.keshtgar@yahoo.fr